

An Analysis of the Extent of Activities by Deviated Sects Associated with Mahdism¹

Seyed Sajjad Izedhi¹  Mostafa Rezaee² 

1. Professor, Department of Politics, Research Center for Islamic Systems, Research Institute for Islamic Culture and Thought, Qom, Iran.
Email: sajjadizady@yahoo.com
2. Graduate student, Level-4, Seminary of Qom (corresponding author).
Email: eshragh.reza1394@gmail.com



Abstract

Today, amidst the proliferation of deviated sects linked to Mahdism and the growing advocacy for the culture of freedom of belief and expression on both the international platform and within the Iranian community, adherents of these sects assert their reliance on pertinent legal clauses. They argue that the exercise of freedom in propagating and expressing their beliefs is an inherent right, contending that the restrictive measures taken by intelligence teams and judicial institutions constitute violations of these rights. In doing so, they aim to posit that the Islamic Republic of Iran adopts a dual standard in its treatment and legal proceedings concerning them. Recognizing the need to address this issue, the current article employs a descriptive-analytic approach, drawing on library data

1. **Cite this article:** Izedhi, S.S. and Rezaee, M. (2023). An Analysis of the Scope of the Activities of Deviated Sects Associated with Mahdism. *Naqd va Nazar* 28(111), pp. 100-125.

<https://doi.org/10.22081/JPT.2023.67991.2088>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom Iran). * **Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 02/12/2023 • **Revised:** 02/12/2023 • **Accepted:** 18/12/2023 • **Published Online:** 14/01/2024

© The Authors



and written documents to scrutinize the extent of activities carried out by deviated sects associated with Mahdism. Additionally, it delineates three distinct spaces: exclusive space, private space, and public space. The study's findings underscore that freedom of belief constitutes an individual's exclusive space, while freedom of expression, as the boundary between exclusive and public domains, necessitates monitoring if it extends to the public sphere. Ultimately, the public space is subject to the legal conditions prevailing in society. Consequently, deviated sects associated with Mahdism are urged to organize their propagation activities, falling within the public space, in accordance with the laws of the country. This imperative does not violate the principles outlined in Article 23 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran, wherein inquisition is expressly prohibited.

Keywords

Criticism of sects, exclusive space, private space, public space, deviated sects associated with Mahdism.



تحلیل گستره فعالیت فرقه‌های انحرافی مهدویت^۱

مصطفی رضایی^۲ 

سیدسجاد ایزدهی^۱ 

۱. استاد تمام، گروه سیاست پژوهشکده نظام‌های اسلامی، پژوهشگاه علوم و اندیشه اسلامی، قم، ایران.

Email: sajjadizady@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته سطح چهار، حوزه علمیه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول).

Email: eshragh.reza1394@gmail.com



چکیده

امروزه با گسترش فرقه‌های انحرافی مهدویت و رواج دادن بیش از پیش فرهنگ آزادی عقیده و بیان در سطح بین‌المللی و جامعه ایران، پیروان این فرق با تکیه بر مواد حقوقی مرتبط، برخورداری از آزادی در تبلیغ و بیان اعتقادات خود را حقی بدیهی قلمداد می‌کنند و اقدامات محدودیت‌ساز تیم‌های امنیتی و نهادهای قضایی را ناقض حقوق خود برمی‌شمرند. آنها از این طریق، در پی القای دوگانگی رفتاری و قانونی نظام، در برخورد با خود هستند. بر اساس این ضرورت، پژوهش حاضر با روشی توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای و اسناد نوشتاری به بررسی گستره فعالیت فرقه‌های انحرافی مهدویت می‌پردازد و در ضمن، سه عرصه اختصاصی، خصوصی و عمومی تبیین می‌گردد. یافته تحقیق عبارت‌اند از اینکه: تنها آزادی اعتقاد، حوزه اختصاصی فرد است و آزادی بیان که مرز بین حوزه اختصاصی و عرصه عمومی است، اگر به قلمرو عمومی تسری پیدا کند، باید مورد نظارت قرار گیرد و عرصه عمومی نیز تابع شرایط قانونی جامعه است؛ از این رو فرق انحرافی مهدویت در فعالیت‌های تبلیغاتی خود که مندرج در عرصه عمومی است، باید فعالیت‌های خود را ذیل مواد قانونی کشور تنظیم کنند و این شرط لازم، هیچ‌گونه تغییری با اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر ممنوعیت تفتیش عقاید ندارد.

کلیدواژه‌ها

نقد و نظر فرق، حوزه اختصاصی، حریم خصوصی، عرصه عمومی، فرقه‌های انحرافی مهدویت.

۱. **استاد به این مقاله:** ایزدهی، سیدسجاد؛ رضایی، مصطفی. (۱۴۰۲). تحلیل گستره فعالیت فرق‌های انحرافی مهدویت.

نقد و نظر، ۲۹(۱۱۱)، صص ۱۰۰-۱۲۵. <https://doi.org/10.22081/JPT.2023.67991.2088>

▣ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسنده‌گان

▣ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۱ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۹/۱۱ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۷ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۱۰/۲۴



مقدمه

انسان با زندگی در عرصه اجتماعی در تعامل با دیگر انسان‌ها، به‌ناچار دچار تزاخم‌ها و تضارب رفتاری و منافع خواهد شد. به همین سبب، ضروری است چارچوب‌های حقوق افراد در حوزه اجتماعی با در نظر گرفتن معیارهای حاکم بر همان جامعه تنقیح گردد تا بسط ید و میزان آزادی افراد در بخش‌های مختلف فکری، بیانی و عملی روشن گردد. طبعاً در جامعه اسلامی، شریعت محور قوانین خواهد بود. آزادی عقیده، بیان و تبلیغ از جمله مسائلی است که با گسترش روزافزون علم فقه و قوانین حقوقی، باید ابعادی مشخص پیدا کند تا افراد بتوانند با عنوان آزادی مشروع از آن بهره ببرند و به حریم و حقوق دیگر انسان‌ها در ابعاد معنوی و مادی، لطمه وارد نکنند. از جمله آثاری که در زمینه آزادی باور، بیان و بلاغ نگاشته شده‌اند می‌توان به: ۱. آزادی بیان و اصل دوگانگی ایده و بیان (زاهدی و شریف زاده، ۱۴۰۰)؛ ۲. حمایت از آزادی بیان در فقه و حقوق کیفری ایران (کشاورز، ۱۴۰۱)؛ ۳. آزادی عقیده و بیان در اندیشه‌های آیت‌الله جوادی آملی با نگاهی به حقوق غرب (جوانمرد فرخانی و نوری، ۱۳۹۷)؛ ۴. ابعاد فقهی و حقوقی آزادی عقیده (جووان آراسته، ۱۴۰۰) و ۵. آزادی عقیده و آزادی بیان با تکیه بر واکاوی تفسیری آیه «لا اکراه فی الدین» (حسینی کارنامی، ۱۳۹۳) اشاره کرد. اما وجه تمایز این اثر نسبت به موارد بر شمرده شده در این است که در این اثر، به بررسی آزادی در سه حیطه باور، بیان و بلاغ پرداخته خواهد شد، تکیه این اثر به نحو تلفیق بین مواد حقوقی و مفاد فقهی خواهد بود، این اثر در چارچوب حقوق‌شناسی فعالیت فرقه‌های انحرافی مهدویت نگاشته خواهد شد. این اثر در پی ترسیم روشن حوزه فعالیت فرقه‌های انحرافی مهدویت است تا آنان قادر نباشند با تکیه بر مفاد کلی موجود در قانون به نحو آزادانه به فعالیت‌های خود در جامعه ادامه دهند. بر اساس این هدف و در جهت دستیابی به گستره مشخصی در خصوص فرقه انحرافی مهدویت، در این پژوهش به این پرسش پاسخ داده خواهد شد که گستره فعالیت فرقه‌های انحرافی مهدویت تا چه محدوده‌ای است؟





۱. مفاهیم و ادبیات نظری تحقیق

اعتقاد امری درونی است که نوع شناخت فرد نسبت به هستی و پیرامونش را مشخص می‌کند. با شکل‌گیری اعتقاد در وجود انسان، نوعی گره در قلب او به وجود خواهد آمد، به نوعی که او آن باور را جزئی از ساحت‌های وجودی خود می‌داند تا جایی که باور او، جزئی از روش و مسلک او خواهد شد. «واژه عقیده از ریشه عقد، در لغت به معنای دین، مسلک و روشی است که انسان به آن اعتقاد دارد یا آن چیزی که انسان در دل قرار می‌دهد» (زمخسری، ۱۳۸۶، ص ۲۳۴).

مرحله بعد از عقیده، ابراز آن خواهد بود که فرد به تبیین اعتقاد و مکنونات درونی خود روی می‌آورد. این مرحله برخلاف عقیده توانایی ظهور و بروز و ارائه دارد؛ همان‌طور که در معنای آن نیز روشن ساخته شدن و هویدایی به چشم می‌خورد. «بیان در لغت به معنای آشکار کردن و روشن ساختن، هویدایی، ظاهر کردگی و سخن رسا و فصیح است که از باطن خبر دهد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۶۸).

مرحله پس از بیان، اشاعه گفتمان و عقیده است. در این مرحله، فرد تفکرات خودش را به اشتراک خواهد گذاشت و به قصد تأثیر گذاری بر پیرامونش، اعتقادات خود را نشر می‌دهد. در این مرحله که تبلیغات نامیده می‌شود، فرد از حوزه خصوصی خود به عرصه عمومی قدم می‌نهد و افکار و اعتقادات دیگران را درگیر خواهد کرد. «تبلیغ تلاشی است پیگیر برای ایجاد یا شکل دادن رخدادها به منظور تحت تأثیر قراردادن روابط عامه مردم با کاری فکری یا گروهی» (دادگران، ۱۳۸۱، ص ۴۹). بر این اساس، افراد در حوزه اعتقادی خود با سه حیطه و گستره ارتباط خواهند داشت: حیطه اول، عقیده است که حوزه درونی فرد را تشکیل می‌دهد و مرحله انتقالی در آن متصور نیست. حیطه دوم، حوزه بیان است که فرد فکر، عقیده و نگرش خود را به دیگری منتقل می‌کند که به نوعی اشتراک گذاری محدود افکار خواهد بود و حیطه سوم، حوزه بلاغ است که در آن، فرد به باز نشر گسترده تفکرات خود روی می‌آورد. در این حیطه، افراد دیگر و حتی جامعه با اعتقادات فرد درگیر خواهند شد و این درگیری می‌تواند

سبب تعالی یا سقوط آنها شود. درحقیقت رفتار مردم در این سه عرصه خلاصه می‌شود و هر عرصه اقتضائات خاص خود را داراست.

امروزه فرق انحرافی مهدویت با تکیه بر حق آزادی عقیده و بیان، در پی بازنشر گسترده افکار خود هستند و اعتقاد دارند مطابق با قوانین جمهوری اسلامی، همانند اصل ۲۳ قانون اساسی که «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد»، نمی‌توان در مسیر انتشار عقاید برای فرد محدودیتی ایجاد کرد؛ از این رو در ادامه به تفکیک حوزه‌های سه‌گانه برشمرده شده، به بررسی و تحلیل محدوده فعالیت در هر کدام از این حیطه‌ها می‌پردازیم.

۲. فعالیت فرقه‌های انحرافی در حوزه اختصاصی

حوزه بینشی، حوزه ذهن انسان و محیطی اختصاصی برای فرد است؛ همان‌طور که ادله پرشماری در آیات و روایات حاکی از تسلط و مالکیت مطلق فرد به این حیطه دارد، به‌نوعی که او در باب عقیده و کنترل ذهن، آزاد خواهد بود و کسی نمی‌تواند در حوزه حقوقی، برای فرد در این حوزه محدودیتی ایجاد کند. طبیعتاً حوزه اختصاصی تنها به مقوله باوری اختصاص ندارد، بلکه باورها از روشن‌ترین مصادیق این حوزه به شمار می‌روند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱-۲. ادله فقهی و حقوقی آزادی عقیده

در بررسی ادله فقهی و حقوقی آزادی عقیده، ابتدا به اصل اولی در این زمینه پرداخته خواهد شد و سپس مؤیدات این اصل بررسی می‌شود.

۱-۱-۲. مقتضای اصل اولی در آزادی عقیده

شکل‌گیری بینش در وجود انسان، روندی قهری دارد؛ به‌طوری که حوزه اعتقادی و فکری فرد برخلاف دو عرصه دیگر چندان در اختیار و کنترل او نخواهد بود. هر چند در





نگاهی وسیع‌تر، این بینش‌ها تابع شکل‌گیری مقدماتی پیشینی هستند؛ اما از نگاه حکم فقهی و قانون، فرد را نمی‌توان به برنامه‌ریزی طولانی‌مدت برای کنترل ساختار بینشی و اعتقادی مجبور کرد. بر همین اساس، حق آزادی عقیده در بعد درونی، به طور مطلق برای انسان در نظر گرفته شده و او می‌تواند آزادانه به هر نوع اعتقادی که مایل است روی آورد. در نگاهی کلی‌تر، این بُعد از آزادی، بیشتر ذهنی و باطنی است، به همین سبب نمی‌توان نوعی از نظارت و ضابطه‌گرایی برایش ترسیم کرد؛ حتی «در شرایط جنگی و حاد نیز بنابر ماده ۴ قانون میثاق بین‌الملل حقوق مدنی و سیاسی، این حق به تعلیق در نخواهد آمد» (قانون میثاق بین‌الملل حقوق مدنی و سیاسی، ۱۹۹۶م، ص ۴).

آزادی انسان در حوزه عقیده به معنی تأیید هر نوع تفکر و اعتقادی از جانب شریعت نخواهد بود؛ زیرا محصول آن تن دادن به مکتب پلورالیسم دینی - مکتب اصالت تکثر - خواهد بود که پیروان آن مدعی هستند: «حق‌های مختلف داریم؛ یعنی هیچ مکتبی برتر از مکتب دیگر نیست و هیچ مکتب دینی بر مکتب غیردینی برتری ندارد» (تورانی، ۱۳۸۱، ص ۷)؛ بلکه روند حاکم بر اعتقادات انسان مراد است که به سبب قهری بودن نمی‌توان صاحب اندیشه را مورد جبر، نظارت و کنترل قرار داد. در همین راستا، قرآن کریم ضمن بیان حق و ارشاد فکری و بینشی مخاطب، به سبب قهری بودن اعتقاد، فرد را در انتخاب کردن حق یا باطل و ایمان یا کفر صاحب اختیار می‌داند. «وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ؛ و بگو: حق از سوی پروردگار شما رسیده است، پس هر که خواست ایمان آورد و هر که خواست کافر شود» (کهف، ۲۹)؛ بنابراین به سبب باطنی بودن و خفای اعتقاد، قهری بودن روند شکل‌گیری آن و از سویی عدم امکان نظارت بر آن، افراد از نگاه فقهی و حقوقی، دارای آزادی در نوع نگرش‌های خود هستند و کسی نمی‌تواند آنها را در این زمینه مورد بازخواست و اکراه قرار دهد؛ از این رو در باب آزادی عقیده، اصل اولی بر جواز است. افزون بر آن، به دلیل سلطه‌نداشتن افراد بر دیگری، بنابر اصلی اولی، انسان‌ها از آزادی برخوردارند. «اصل این است که هیچ‌کس بعد از خداوند بر دیگری سلطه‌ای ندارد؛ زیرا همگی در بندگی

مساوی‌اند و هیچ‌یک از بندگان بر دیگری تسلطی ندارد» (کاشف‌الغطا، ۱۴۱۹ق، ص ۳۹).

۲-۱-۲. مؤیدات اصل اولی در آزادی عقیده

اصل اولی آزادی در اعتقاد، توسط ادلهٔ پرشمار فقهی و حقوقی تأیید می‌شود که به برخی آنها اشاره خواهد شد.

نهی از تجسس: از نگاه شریعت، هیچ انسانی بر دیگری ولایت و سلطه ندارد. به همین سبب تفتیش، تجسس و زیرنظر گرفتن ابعاد پنهان زندگی دیگران که نوعی دخالت در شئون مختلف زندگی افراد به شمار می‌رود، امری ممنوع است. در همین راستا در قانون اساسی، فصل حقوق ملت ذیل اصل‌های ۲۳ و ۲۵، بازرسی و تفتیش عقاید و مواردی از این دست ممنوع شده است، مگر اینکه مصلحتی قوی‌تر در این زمینه وجود داشته باشد.

فقه‌ها به استناد آیهٔ دوازدهم سورهٔ حجرات و احادیث متعدد، تجسس را حرام می‌دانند؛ همچنین تفتیش از عقاید و اسرار و خطاهای مؤمنان و نیز آشکار کردن آنها، با استناد به آیات قرآن، از جمله آیهٔ نوزدهم سورهٔ نور حرام است (منتظری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۳۹).

از سویی دیگر، دلیل عقلی برای حفظ کرامت و شرافت انسانی، تجسس در امور شخصی افراد نفی می‌شود. افزون بر آن، تفتیش و تجسس در مواردی می‌تواند سبب هتک حرمت و کشف عیوب دیگران شود. در برخی آیات شریفه، ورود مخفیانه و بدون اجازه به حریم خصوصی دیگری ممنوع دانسته شده است. «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُیُوتًا غَیْرِ بُیُوتِکُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ تُسَلِّمُوا عَلَیْ أَهْلِهَا؛ ای اهل ایمان، هرگز به هیچ‌خانه مگر خانه‌های خودتان تا با صاحبش انس و اجازه ندارید وارد نشوید و (چون رخصت یافته و داخل شوید) به اهل آن خانه نخست سلام کنید» (نور، ۲۷). به همین جهت بر پایهٔ آرای فقهی، هر کس می‌تواند به هر شکل ممکن با متجاوز به این حریم مقابله کند تا جایی که هرگاه کسی در پی تجسس از درون منزل مؤمن





برآید، صاحب منزل حق دارد وی را از این کار بازدارد و اگر تجسس کننده کار خود را ادامه دهد، صاحب خانه مجاز است با پرتاب سنگریزه، وی را از این کار منع کند. در این بین، اگر این کار منجر به جراحت و حتی مرگ این شخص شود، صاحب خانه ضامن نیست (نجفی، ۱۳۸۶، ج ۴۱، ص ۶۶۰).

از این رو تفتیش، تعرض و مؤاخذه افراد به سبب نوع گرایشات فکری و عقیدتی از منظر فقهی و حقوقی امری ممنوع است و مغایر با آزادی اراده و انتخاب خواهد بود؛ زیرا گرایشات قلبی و فکری افراد برخواسته از قدرت انتخاب ایشان است و زیر سؤال بردن عقاید فرد و تجسس در آن، طعنه به آزادی الهی در وجود انسان خواهد بود.

نهی از تحمیل عقیده: فرایند شکل گیری یک بینش نشانگر این حقیقت است

که نمی توان با تحمیل عقیده به افراد، جهت دهی آنها را غنا بخشید و مرامی جدید برای او تصویر کرد که فرد قادر باشد با اراده خود، در آن قدم بردارد. بر همین اساس، شریعت تقلید را در اصول اعتقادی مردود دانسته و به صراحت از نفی اکراه در پذیرش دین سخن به میان آورد است «لا إكراه فی الدین» (بقره، ۲۵۶)؛

این آیه بیان یک حقیقت تکوینی است و آن حقیقت این است که اعتقاد و ایمان از امور قلبی و درونی است که هرگز از طریق اجبار و اکراه به دست نمی آید، به دلیل اینکه اکراه و اجبار در اعمال ظاهری و افعال و حرکات بدن مادی ممکن است. لذا نمی توان و نباید کسی را بر پذیرفتن ایمان و اعتقادی خاص مجبور کرد (طباطبایی، ۱۳۸۸ق، ج ۲، ص ۳۴۲).

بر این اساس، انسان حق انتخاب آزادانه آرمان و عقیده خود را دارد و می تواند با آزادی کامل به گزینش آنها روی آورد. در نتیجه باید از هرگونه تحمیل فشار بر قبولاندن عقیده ای به دیگران خودداری کرد؛ از این رو نمی توان کسی را به سبب داشتن عقیده ای مجازات کرد یا او را به اجبار بر ترک آن وادار کرد. «اکراه و اجبار در پذیرش دین جایز نیست؛ زیرا [آزادی انسان در انتخاب عقیده از اولی ترین حقوق اساسی انسان هاست» (سیدقطب، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۴۲۵). آزادی در اعتقاد، از حقوق فردی مشترکی در میان قوانین اساسی کشورهای مختلف و اعلامیه های حقوق بشر است که بر

انتخاب آزادانه و همراه ارادهٔ انسان تأکید می‌کند و از هرگونه تحمیل عقیده یا اجبار بر ترک آن منع می‌نماید.

۳. فعالیت فرقه‌های انحرافی در حریم خصوصی

مرحلهٔ پس از حوزهٔ خصوصی که چارچوبی کاملاً فردی و انحصاری دارد، حریم خصوصی است. این جایگاه هرچند دارای نوعی از اختصاص و به تبع آن، حقوق ذاتی است؛ اما گستره‌ای وسیع‌تر نسبت به مرحلهٔ سابق دارد.

۳-۱. امکان‌سنجی تبدیل حریم خصوصی به عرصهٔ عمومی

حریم خصوصی که حریمی فراتر از عالم ذهن و حوزهٔ بیش‌ی فرد است، توانایی گسترش به عرصهٔ عمومی را دارد. درحقیقت فرد در این نقطه، در برزخی میان حقوق کاملاً اختصاصی و حقوقی عمومی قرار خواهد گرفت و نوع رفتار او می‌تواند روی افراد و محیط پیرامونش نیز تأثیرگذار باشد؛ برای مثال فعالیت انسان در خانه به مثابهٔ حریم خصوصی به شمار می‌آید؛ اما اگر صدای آن به بیرون از منزل سرایت کند، عمل او از حریم خصوصی به عرصهٔ عمومی گسترش پیدا خواهد کرد؛ از این رو حریم خصوصی امکان تبدیل به عرصهٔ عمومی را دارد. بر اساس همین امکان‌سنجی، در ذیل به ادلهٔ جواز یا عدم جواز فعالیت فرقه‌های انحرافی مهدویت در حوزهٔ خصوصی پرداخته خواهد شد.

۳-۲. قلمرو جواز و عدم جواز فعالیت فرقه‌های انحرافی در حریم خصوصی

حریم خصوصی به تناسب دو زاویه متفاوتی که در خود جای داده است، دارای دو دسته از ادلهٔ جوازی و عدمی خواهد بود. درواقع ادلهٔ جواز راجع به جنبهٔ خصوصی این مرحله از فعالیت است و ادلهٔ عدم جواز ناظر به بُعد سرایت‌کنندگی این حریم خواهد بود.





۳-۲-۱. جواز فعالیت در حوزه خصوصی

حریم خصوصی قلمرو زندگی فرد است که نباید بدون اجازه و رضایت صاحبش به آن وارد شد. در قانون اساسی طبق اصول ۲۲، ۲۳ و ۲۵ به برخی از این مصادیق، همانند حیثیات جانی، مسکن، عقیدتی و حتی نامه‌ها و مکالمات تلفنی و الکترونیکی تصریح شده؛ همان‌طور که واژه حریم از حیث حقوقی، گویای این حق اختصاصی است. «حریم از حرمت به معنای منع است. به این دلیل تعرض دیگران به حق صاحب حریم، ممنوع است» (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۶۵۳). بر این اساس، مطابق با ادله‌ای که در خصوص حوزه اختصاصی بیان شد، تعدی به حریم خصوصی افراد مادامی که شأنیت اختصاصی آن محفوظ مانده است، ممنوع و حرام خواهد بود؛ از این رو احترام به حریم خصوصی، امری مطلق نیست و در صورت ورود زوایایی از فعالیت فرقه به عرصه عمومی و تزامم با حقوق دیگر افراد، عملکرد فرد از حیث حقوقی، جرم تلقی خواهد شد؛ هر چند دیگر افراد طرف تعامل، جزء همان فرقه باشند؛ زیرا ملاک در ممنوعیت، گسترش فعالیت از حریم خصوصی به عرصه عمومی است و اجتماعات چندنفره نیز نوعی از عمومیت به شمار می‌آیند.

۳-۲-۲. عدم جواز در امور مرتبط با عرصه عمومی

حق فعالیت فرد در حریم خصوصی، در صورت بقای معنای حریم و خصوصی بودن (انفرادی) است؛ اما در صورتی که فعالیت افراد در فرقه‌های انحرافی مهدویت، به عرصه عمومی سرایت پیدا کند، اصل اولی عدم جواز، فعالیت فرقه انحرافی خواهد بود؛ همان‌طور که آیه شریفه در این باره از قید شیوع استفاده کرده است؛ «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ همانا برای کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان اهل ایمان شایع گردد، در دنیا و آخرت عذاب دردناکی است» (نور، ۱۹). اشاعه امور سیئه در آیه شریفه در عرصه عمومی جامعه، امری منکر برشمرده شده است؛ زیرا سبب خلل در مهم‌ترین حقوق افراد که همان حق حیات

معنوی است خواهد شد؛ هرچند فردی در تبلیغاتش در فرقه، به گمان خود به دنبال گفتمان‌سازی عقیده‌ای معنوی در جامعه است. «غرض از آیه، صرف انجام کاری است که به افشا و پخش بدی‌ها بینجامد؛ گرچه انگیزه و قصد آن را نیز نداشته باشد» (انصاری، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۲۶). برخی مصادیق ادله عدم جواز که از منظری همان عوامل ورود فعالیت به عرصه عمومی است، در ادامه بررسی خواهد شد.

۳-۳. مصادیق فعالیت فرقه‌های انحرافی به عرصه عمومی

فعالیت فرقه‌های انحرافی مهدویت در سطحی که ناظر به کنش‌های اجتماعی باشد، ممنوع خواهد بود؛ خواه جامعه متشکل از دو نفر و خواه افرادی بیشتر باشد. برخی از این عوامل در بردارنده موارد زیر می‌شود.

۳-۳-۱. ترویج خشونت و ایذا مؤمنان

در برخی فرقه‌های انحرافی مهدویت، به صراحت خشونت و تفکرات تکفیری ترویج می‌شود. این دستورات سبب ناامنی در جامعه و دامن زدن به سطحی از تخویف در میان بدنه اجتماع خواهد شد. احمد اسماعیل بصری در پاسخ به استفتای یکی از انصار، مال منکران خود را غیرمحترم برشمرده و بر جواز اخذ عدوانی آن تصریح کرده است. «با دشمنان ائمه یا مهدیین دشمنی کن و همچنین با پیروان آنها. مال آنها محترم نیست و برای شما جایز است که همه یا بخشی از آن را برای خودت برگیری» (بصری، ۱۳۹۵ «الف» ص ۴، پرسش ۳۴۶). او در جایی دیگر پس از بیان حکم نجس بودن کافر، منکر خود را فردی ناصبی و نجس معرفی کرده است (بصری، ۱۳۹۶ «الف»، ج ۱، ص ۹۱). اباحه نفوس و اموال مخالفان، بی‌تردید سبب ترویج خشونت، درگیری‌های اجتماعی و ایذای مؤمنان خواهد شد. ایذا به سبب تلقی انحرافی این گروه نسبت به جامعه مؤمنان است؛ بدون اینکه مخالفان آنها بنا بر مفاد آیه شریفه، مرتکب عملی خارج از محدوده شریعت شده باشند. «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا؛





و کسانی که مردان و زنان مؤمن را به غیر اعمال و گناهانی که انجام داده‌اند، اذیت کند (یعنی بدون وجه آن را مورد اذیت و آزار قرار دهد)، بی‌تردید بهتان و گناه بزرگی بر عهده گرفته‌اند» (احزاب، ۵۸). افزون بر آن، این رفتار سبب برهم خوردن تعادل در زندگی فردی و اجتماعی افراد خواهد شد. افزون بر این، «عقل نیز به نحو مستقل بر قبح این عمل دلالت دارد» (حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۲، ص ۶۴).

در منظومه حقوق، دامنه آزار دیگران فراتر از رفتارهای فیزیکی است و دربردارنده هر نوع آسیب به فرد خواهد شد که طبیعی است با نگاه تکفیری جریان انحرافی‌ای، همانند احمد اسماعیل، مخالفان آنها از خشونت این فرقه در امان نخواهند بود. «اذیت و آزار به رفتارها و اعمالی اطلاق می‌شود که موجب آسیب یا درد و رنج جسمی یا آسیب و آزرده‌گی روحی - روانی گردد؛ بدون آنکه عرفاً و اصطلاحاً «ضرب و جرح» به شمار آیند» (قانون مجازات اسلامی، مواد ۶۲۱ و ۶۳۳). زمانی که بازتاب عمل فرقه به عرصه عمومی برسد، حق اختصاصی در تعارض با دیگر حقوق از میان خواهد رفت و افراد فرقه نمی‌توانند با عنوان آزادی بیان به اقدامات خود ادامه دهند.

۳-۳-۲. توهین به مقدسات دینی

جایگاه مرجعیت و رهبری انقلاب اسلامی به سبب تعارض منافع، همواره مورد طعن و بدگویی رهبران و انصار فرقه‌های انحرافی مهدویت بوده است که از آن جمله می‌توان به بیانات پرشمار احمد اسماعیل بصری درباره مقام مرجعیت اشاره کرد. او با تعریف جدید از جایگاه تقلید در عصر غیبت و دوران فعلی (به گمان او، عصر ظهور و وصی، یمانی و مهدی اول)، مراجع را قطاع‌الطریق و سبب گمراهی مردم معرفی کرده است و علما را به دنبال پیروی از او یا عدم آن، به علمای عامل و بی‌عمل دسته‌بندی کرده است. «ای مردم! علمای گمراه و پیروانشان شما را فریب ندهند. بخوانید، جستجو کنید، دقت کنید و بیاموزید و خود حقیقت را بیابید» (بصری، ۱۳۸۹).

این فرقه با عنوان حاکمیت خداوند در زمین، هر نوع دعوت به غیر از یمانی را

طاغوت برشمرده و آنها را همانند بنی‌امیه، شریک در خون امام حسین علیه السلام معرفی کرده‌اند. در این راستا، رهبری انقلاب را که فاقد ولایت فقیه است، دعوت‌کننده به غیرخدا و حکومت طاغوت معرفی می‌کنند. «در ایران (خراسان) سیدخامنه‌ای به اصلاح علنی می‌پردازد با این توجیه که او ولی فقیه است... تنها همین دعوت مبارک یمانی است که دعوت‌کننده به تنصیب الهی است» (بصری، ۱۳۹۴، ص ۶۵). او همچنین در پی گفتمان تکفیری (نسبت دادن وصف کافر) و اهانت به مقدساتی که تابع او نیستند، در خطبه ماه محرم خود، زائران اربعین را دشمنان ائمه اطهار و از جمله قاتلان امام حسین علیه السلام معرفی می‌کند. «اینان برادران قاتلان امام حسین علیه السلام هستند، با اینکه مدعی هستند که بر او گریه می‌کنند. به خدا قسم که آن‌ها دروغ‌گو منافق‌اند» (بصری، ۱۳۸۹). این در حالی است که در قانون مجازات اسلامی، مطابق با ماده ۵۱۴، توهین به جایگاه رهبری انقلاب اسلامی، جرمی تعزیری است که برای آن مجازات در نظر گرفته شده است و در آن به صراحت بیان شده است که توهین به هر نحوی از انحا به مقام معظم رهبری، شش تا دو سال حبس را به دنبال خواهد داشت (قانون مجازات اسلامی، ماده ۵۱۴). بنابراین، چه توهین به این جایگاه به نحو مستقیم و چه کنایه باشد، مشمول این حکم خواهد شد؛ همان‌طور که مطابق با بند ۷ ماده ۶ قانون مطبوعات، اهانت به مراجع تقلید در زمره امور مخل به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی است. بر این اساس، جرم‌انگاری توهین به مقدسات دینی که از آن جمله نسبت‌های ناروا به مقام مرجعیت و رهبری نظام است، حاکی از ورود فعالیت فرقه‌های انحرافی مهدویت از حوزه اختصاصی به عرصه عمومی است که به دنبال خود، آثار اجتماعی منفی‌ای را در پی خواهد داشت و سبب ضعیف کردن این جایگاه محوری، در نظام حکومت دینی خواهد شد.

۳-۳-۳. تضعیف امنیت ملی

با وجود رویکرد تقابلی فرقه‌های انحرافی مهدویت با جمهوری اسلامی و ولایت فقیه و تلاش آنها برای ضعیف کردن نظام دینی، ماحصل رفتارهای آنها ضعیف کردن





امنیت ملی ایران و حتی عراق خواهد شد؛ همان‌طور که یکی از انصار وقتی از وضعیت امنیتی و نبودن آزادی تبلیغاتی خود در ایران، به احمد اسماعیل گلایه می‌کند، او در پاسخ، وعده نجات از دست ظالمان را برای پرسش‌کننده بیان می‌کند که حاکی از نوع تفکر او در خصوص نظام حاکم بر جمهوری اسلامی ایران است. «به‌زودی خداوند شما را یاری شکست‌ناپذیر می‌دهد و کسانی که به شما ظلم و ستم روا می‌دارند را خوار و ذلیل خواهد نمود» (بصری، ۱۳۹۵ «الف»، پرسش ۱۴۴).

احمد اسماعیل در سخنرانی خود در پالتاک، با طعنه به جایگاه ولایت فقیه و تسلط او بر خون و جان مردم، بر این باور است که ولایت فقیه یک اعتقاد ادعایی است که خالی از هر نوع دلیل عقلی و نقلی است. «این اعتقاد ماست که آن ولایتی که ما برای فقیه ادعا می‌کنند، عقیده‌ای بدون دلیل است و این امر را در بحث تفسیر آیه اکمال‌الدین در برنامه «الملتی الاسوعی» معهد دراسات علیای نجف ارائه دادم» (بصری، ۱۳۹۴/۱۰/۲۹). در کشور عراق نیز به سبب خلأهای امنیتی و مشکلات فرهنگی، خطر امنیتی این جریان‌ها بیش از پیش نمایان است که انتساب لقب دجال سجستان در سایت المهدیون احمد اسماعیل به زعامت عراق، آیت‌الله سیستانی، تنها بخشی محدود از ترویج این نوع تفکر است. تفکری که امتداد یافتن آن بی‌شک به ایجاد شکاف‌های امنیتی در جامعه ایران و عراق منتهی خواهد شد. در چنین مواردی تقابل گفتمانی با حاکمیت و نگرش تکفیری به آنها از سوی فرق انحرافی مهدویت، افزون بر امنیت جانی و مالی، ابعاد روحی و روانی جامعه را با چالش‌های پرشماری روبه‌رو خواهد کرد و سبب ضعیف کردن حکومت و ایجاد ناآرامی، آشوب و هرج‌ومرج در جامعه دینی می‌گردد؛ همان‌طور که از بیانیۀ احمد اسماعیل در تعریض به مقام معظم رهبری این امر روشن است.

سیداحمدالحسن: از شما می‌خواهم اخبار دستگیری‌ها و ظلمی که شیعیان آل محمد علیهم‌السلام و مؤمنین به دعوت مبارک مهدوی در ایران از جانب حکومت فقیه (به گفته خودشان)، در معرض قرار دارند را در این صفحه نقل کنید تا همه دنیا مطلع شوند و نیز مردم عراق و عاقلان شیعه اهل بیت علیهم‌السلام باخبر شوند که

موضع گیری و برخورد فقیه ایران در قبال آن دسته از شیعیان اهل بیت علیهم السلام که با او اختلاف نظر دارند، چگونه است! (بصری، ۱۳۹۷/۰۷/۰۶).

این فرایند تبلیغی که به دوگانگی در جامعه، ضربه زدن به امنیت، و ایجاد آشوب منتهی می شود، در هیچ جای دنیا و در هیچ نظام حاکمیتی پذیرفته شده نیست. بر همین اساس ضروری است مطابق با قانون با آنها مقابله شود. «هرکس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید، به حبس از سه ماه تا یکسال محکوم می شود» (قانون مجازات اسلامی، ماده ۵۰۰). پردازش به صرف الفاظ آزادی عقیده و بیان و نداشتن حیطه شناسی صحیح آن به نحو تعمدی، سبب ایجاد نوعی مطالبه کاذب در میان این جریان شده است؛ در حالی که در هیچ نظام حقوقی ای، اگر آزادی بیان فرقه ای باعث ایجاد خللی به عرصه عمومی جامعه گردد، نهادهای حقوقی، امنیتی و حاکمیتی دست روی دست نخواهند گذاشت؛ چنانکه مجاز به ترک فعل نیستند.

۳-۳-۴. اخلال در نظم عمومی جامعه

حفظ نظام جامعه دینی از مقاصد مهم شریعت است که سبب شده است شارع، چه در مرحله وضع احکام و چه در زمینه اجرای آن، مشروعیتی برای افعال مختل کننده نظام قائل نباشد؛ زیرا اختلال نظام سبب تعطیلی نظم عمومی جامعه، هرج و مرج و شئون ضروری جامعه خواهد شد. «حفظ نظام از واجبات مؤکد و ازهم گسستگی و اختلال امور مسلمانان، از جمله امور ناخوشایند است» (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۱۹).

حکم عقل به لزوم حفظ نظام و مبارزه با عوامل مخل آن، تنها مخصوص جوامع مسلمان نبوده است؛ بلکه در بلاد غیراسلامی نیز اختلال نظام امری قبیح و مخل حقوق و حیات دیگر انسان ها تلقی می شود. «عدم رضای شارع مقدس به اختلال نظام [...] از اوضح قطعیات است» (نائینی، ۱۴۲۴ق، ص ۷۵).

رفتارهای احمد اسماعیل در حوادث مختلف در ایران و پیام های او در بسترهای





مختلف مجازی، از جمله پالتاک، فیسبوک و ... از جمله مواردی است که سبب ایجاد خلل در نظم عمومی جامعه خواهد شد. او در جریان اغتشاشات مربوط به مسئله حجاب، جمهوری اسلامی را به کج فهمی در خصوص دین متهم می کند و مردود بودن الزام حجاب در جامعه را امری واضح می داند که در ایران، به آن عامل نمی شود.

این ها دین را وارونه فهمیده اند و با این کارهای نادرستشان، به دین بدی می کنند و به نام اسلام و تشیع و آل محمد لطمه وارد می کنند؛ زیرا محمد رسول خدا هیچ کس را برای پوشیدن حجاب مجبور نکرد و خداوند سبحانه و تعالی هیچ کس را برای پوشیدن حجاب یا دین داری یا عبادت مجبور نکرد (بصری، ۱۳۹۷/۰۵/۱۰).

متهم کردن جمهوری اسلامی به نظامی دیکتاتوری در اوج اغتشاشات و دامن زدن به شعله اعتراضات، از جمله دیگر اقدامات این فرقه در ضربه زدن به نظم عمومی جامعه ایران است که سبب شده است فعالیت آنها به وضوح از حوزه خصوصی به عرصه عمومی انتقال پیدا کند.

بر همین اساس، اخلال در نظم عمومی به منزله یک اتهام مستقل و کامل در ماده ۶۱۸ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی درج شده است. چنین فردی مطابق با قانون، از سه ماه تا یک سال و به ۷۴ ضربه شلاق محکوم می شود؛ از این رو هر فردی از فرقه های انحرافی مهدویت که با کلام یا رفتار خود سبب ایجاد اخلال در نظم جامعه و سلب آسایش یا آرامش عمومی گردد، مجرم شناخته خواهد شد و مطابق با قانون جمهوری اسلامی از فعالیت او ممانعت به عمل خواهد آمد.

۳-۳-۵. اشاعه تفکرات ضاله خلاف اجماع شیعی

تفکرات شاذ و خلاف مسلمات و اجماعیات شیعه که با تکیه بر ادله متشابه صورت می گیرد، در دعوت احمد اسماعیل بصری بسیار دیده می شود. ترویج این عقاید، به تدریج سبب دلزدگی عمومی جامعه از بایسته های صحیح حاکم بر مهدویت است و قوه تشخیص را از آنها در این مسائل عقیدتی اساسی سلب خواهد کرد؛ چنانکه او خود

را در ادعایی نادر، اولین مهدیین و یمانی موعود معرفی نموده است. «امر من روشن تر از خورشید در وسط روز است و من اولین مهدی و همان یمانی موعود هستم» (بصری، ۱۳۹۶ «ب»، ص ۱۲۱).

نسبت‌های پرشمار و ناروای او به جایگاه مرجعیت که در تقابل گفتمانی، اهدافی و منافی او قرار دارد، یکی دیگر از این نوع تفکرات خلاف اجماع است که باعث تزلزل دین‌داری و تکلیف‌مداری دینی مردم خواهد شد. «آنها (مراجع) حتما ریاکار هستند و همه اعمال آنها ریاکاری است. پس گریه آنها بر امام حسین علیه السلام ریا است و نمازشان ریا است و هدف آنها فقط تسلط بر قلب مردم و مقام‌های ناچیز دنیوی، همانند ریاست دینی است» (بصری، ۱۳۹۵ «ب»، ج ۱، ص ۶۸). «مردم به شدت از مرجعیت تبعیت می‌کنند و چه بسا مراجع و اطرافیان گمراه و گمراه‌کننده‌شان عادت کرده‌اند که هر ادعایی که دروغ و نیرنگ و بیهودگی‌شان را بر ملا سازد را قبول نکنند...» (بصری، ۱۳۹۴، ص ۲۲). تعدد این نوع تفکرات به منزله محورهای گفتمانی احمد اسماعیل بصری و تلاش برای رواج‌دادن آنها بین بدنه جامعه، سبب اشاعه تفکرات ضاله خلاف اجماع در جامعه شیعی خواهد شد.

رواج‌دادن هر نوع نگاهی که سبب ایجاد گمراهی در یکی از شئون دینی شود، از جمله مصادیق ابزارهای گمراه‌کننده به شمار می‌آید، خواه تابع قصد فرد باشد، خواه نباشد و خواه از سنخ سخنرانی باشد، خواه نوشتار و خواه تبلیغ در فضای مجازی و مقید کردن برخی گفتارهای فقهی به کتاب به سبب متداول بودن این نوع سبک ترویج عقاید در گذشته بوده است؛ اما با توسعه ابزارهای ارتباطی در عصر کنونی، احکام کتاب‌های ضاله در بردارنده هر نوع روش انتقال‌دهندگی خواهد شد. «هر کتابی، چه در زمینه اصول مذهب یا احکام شرعی موجب گمراهی شود، کتاب ضاله محسوب می‌شود» (خویی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۰۱). به همین سبب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بدون ذکر عنوان «کتب ضلال» آمده است: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب، آزادند، مگر آنکه محل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد» (قانون اساسی، اصل ۲۴)؛





از این رو رواج دادن هر نوع تفکر خلاف مسلمات دینی، مبانی اسلامی و اجماع حاکم بر جامعه شیعی که جنبه گمراه‌کنندگی داشته باشد، ممنوع خواهد بود و لازم است مبادی آن از بین برود. «از بین بردن کتب ضاله واجب است» (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۲۷).

۴. فعالیت فرقه‌های انحرافی در عرصه عمومی

از حیث گستره، سومین حوزه فعالیت قابل ترسیم برای فرقه‌های انحرافی مهدویت، عرصه عمومی است. بایسته‌های حاکم بر این عرصه در عنوان پیشین بررسی شد و مشخص گردید این عرصه برخلاف دو حوزه سابق که دارای نوعی از اختصاص بود، دارای عمومیت است و به تبع حقوق دیگر افراد را در زمینه اجتماعی تحت تأثیر قرار خواهد داد؛ از این رو برخلاف مواردی که فعالیت در حوزه اختصاصی بود، در اینجا به سبب تداخل و تزامن حقوق، کارگزار حق ورود خواهد داشت.

۴-۱. گستره عرصه عمومی و تمایز آن نسبت به حریم خصوصی

در ادبیات حقوقی، حریم خصوصی با مصادیقی همچون منازل، مکان‌های خصوصی، اطلاعات شخصی، ارتباطات خصوصی و ... معرفی شده‌اند و عرصه عمومی با مواردی چون پارک‌ها، خیابان‌ها، سازمان‌ها و ... نام برده می‌شوند؛ اما در نگاهی کلان‌تر می‌توان در مرزبندی این دو فضا بیان کرد که حریم خصوصی دارای نوعی اختصاص است که شامل حقوق فردی بوده و حقوق دیگر افراد را درگیر نخواهد کرد. بر همین اساس، می‌توان گفت برخلاف حریم خصوصی در عرصه عمومی، نوعی انتشار، شیوع و ترویج وجود دارد که فرد در چارچوب شخصی خود به انجام فعالیت می‌پردازد. بر همین اساس، هرگاه حریم خصوصی افراد در مسیری حرکت کند که تعریفی نسبت به عرصه عمومی و حقوق دیگر افراد در جامعه باشد، لوازم این حریم نیز برداشته خواهد شد؛ همان‌طور که در قانون آیین دادرسی کیفری جدید بیان شده است: «کنترل ارتباطات مخابرات افراد ممنوع است، مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور

مربوط باشد» (قانون آیین دادرسی کیفری، ماده ۱۵۰)؛ از این رو عرصه عمومی در دست حاکم و قانون گذار است و او می تواند در صورت آسیب زابودن با آن مواجهه کند؛ زیرا این عرصه تابع ضوابط و هنجارهای جامعه است.

۴-۲. امکان سنجی فعالیت فرقه های انحرافی در عرصه عمومی

مطابق با آنچه بیان شد، ملاک فعالیت در حریم خصوصی، عدم گسترش عمل به عرصه عمومی است. این قاعده در روندی معکوس نیز حکم فرماست و فرقه های انحرافی مهدویت می توانند در عرصه عمومی به فعالیت و تبیین گفتمان خود پردازند؛ اما مشروط به اینکه عرصه عمومی مقید به حریم خصوصی؛ یعنی فضای تبادل علمی و نخبگانی گردد. در این چارچوب، آنها می توانند ادله خود را تشریح کنند و اگر مکتب خود را به حق می دانند، از سوی اقناع نخبگانی، در صدد رواج دادن آن برآیند.

۴-۲-۱. تبادل نظر در کرسی های آزاداندیشی

توسعه کرسی های آزاداندیشی باعث رکود بازار هنجارشکنی خواهد شد و از سویی، بستر نقادی، ایده پردازی و طرح نگاه ها را فراهم خواهد کرد. در این بستر، رهبران و انصار فرق انحرافی می توانند آزادانه و بدون هیچ نوع محدودیتی به طرح گفتمانی خود پردازند و منظومه فکری خود را تشریح کنند. ظرفیت های غنی فرهنگ مهدویت، هیچ مانعی برای طرح ایده های مغایر را ندارد و جای نگرانی برای تضارب آرا در این زمینه وجود ندارد؛ همان طور که در دستورالعمل و آیین نامه های کرسی های آزاداندیشی، در ذیل ماده ۲ (اهداف) بیان شده است. از جمله اهداف این کرسی ها، ایجاد فرصت قانونی و عادلانه برای عرضه آزادانه آرا، دیدگاه ها و پرسش ها درباره موضوعات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، آگاهی از رویکردهای مختلف دیگر (مانند بهداشت و درمان، امور سلامت، آموزش پزشکی) و نظرات دیگران است.



۴-۲-۲. ارائه دیدگاه‌ها در جلسات مناظره

برگزاری جلسات مناظره بین موافقان و مخالفان فرقه‌های انحرافی مهدویت، همانند کرسی‌های آزاداندیشی سبب تبادل نظرات در فضای نخبگانی خواهد شد و مخاطب این فرصت را به دست خواهد آورد که در شرایطی برابر، نظرات و مبانی دو طرف را گوش کند. در این میان، باورمندان به فرقه نیز این فرصت را به دست خواهند آورد که از تفکرات خود دفاع کنند و اگر بنا به اعتقادشان، نگرش‌های آنها صحیح است، دیگران را در فضایی اقناعی مجاب کنند. بر این اساس، هر فرد از هر طیفی می‌تواند در جلسات مناظره، دیدگاه‌های خود را هرچند شاذ و مخالف اجماع موجود باشد بیان کند؛ همان‌طور که در اساسنامه خانه ملی گفت‌وگوی آزاد، مصوب پانصدونودوششمین جلسه مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۰۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی بیان شده است، از جمله اهداف این خانه ملی، ایجاد فرصت قانونی و عادلانه برای عرضه علمی و آزادانه دیدگاه‌ها و نقدها در حوزه علوم انسانی و معارف دینی برای همه طیف‌های فکری و فرهنگی در کشور است.

نتیجه‌گیری

فرقه‌های انحرافی مهدویت همواره با تکیه بر مواد قانونی، دال بر آزادی عقیده، به تبلیغات گسترده اعتقادات خود در سطح عمومی جامعه می‌پردازند؛ درحالی که قانون ناظر به آزادی عقیده است و هرگز به آزادی‌های فراتر از آن در عرصه عمومی به نحو مطلق، اجازه نداده است. با نگاهی کلان به حوزه فعالیت‌های انسان می‌توان اقدامات او را در سه گستره ترسیم کرد: بخش اول، فعالیت‌هایی است که او در حوزه اختصاصی خود انجام می‌دهد که در این خصوص باید گفت از نگاه فقهی-حقوقی عرصه آزادی عقیده، عرصه‌ای نظارت‌ناپذیر است. بخش دوم، مربوط به فعالیت افراد در حوزه خصوصی است که سطحی گسترده‌تر از بخش اول به شمار می‌آید. در باب این فعالیت باید افزود، در عرصه آزادی بیان که حوزه خصوصی است، امکان نظارت وجود دارد و



نظر
صدر

گسترهٔ فعالیتی افراد باید در این چارچوب ارزیابی شود. در نهایت بخش سوم از حوزهٔ فعالیتی افراد مربوط به اقدامات آنها در عرصهٔ عمومی است که وسیع‌ترین قلمرو عملی افراد به شمار می‌آید. درحقیقت عمل انسان در این نقطه به مثابهٔ فعالیت تبلیغاتی خواهد بود؛ از این رو در این عرصه که آزادی در تبلیغات است، باید از سوی کارگزار، نظارت صورت پذیرد؛ بنابراین هرچند فرقه‌های انحرافی مهدویت در عقاید خود دارای آزادی هستند و فعالیت آنها در ابعاد خصوصی نیز تا حدودی که ترسیم شد، مورد پذیرش است؛ اما در عرصهٔ بیانی و تبلیغاتی، فعالیت فرقه‌های انحرافی مهدویت باید ذیل هنجارها و قوانین حاکم بر کشور صورت پذیرد.



فهرست منابع

* قرآن کریم

اساسنامه خانه ملی گفت‌وگوی آزاد. مصوب پانصدونودوششمین جلسه مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۰۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی.

انصاری، مرتضی. (۱۳۸۰). مکاسب محرمة (ج ۱، چاپ دوم). قم: جامعه مدرسین.

بصری، احمد. (۱۳۹۷/۵/۱۰). پرسش و پاسخ: B2n.ir/r37027.

بصری، احمد. (۱۳۸۹). خطبة پنجم محرم (چاپ اول). نجف: انتشارات انصار احمد بصری.

بصری، احمد. (۱۳۹۴). نصیحتی برای طلاب حوزه‌های علمیه (چاپ اول). نجف: انتشارات انصار احمد بصری.

بصری، احمد. (۱۳۹۵ «الف»). پاسخ‌های روشن‌گر بر بستر امواج (ج ۱، چاپ اول). نجف: انتشارات انصار احمد بصری.

بصری، احمد. (۱۳۹۵ «ب»). المتشابهات (ج ۱، چاپ اول). نجف: انتشارات انصار احمد بصری.

بصری، احمد. (۱۳۹۶ «الف»). شرائع الاسلام (ج ۱، چاپ اول). نجف: انتشارات انصار احمد بصری.

بصری، احمد. (۱۳۹۶ «ب»). أذیاء المهدویه (چاپ اول). نجف: انتشارات انصار احمد بصری.

بصری، احمد. (۱۳۹۴/۱۰/۲۹). سخنرانی در پالتاک: B2n.ir/y22698.

بصری، احمد. (۱۳۹۷/۷/۶). پرسش و پاسخ: B2n.ir/e75760.

تورانی، علی. (۱۳۸۱). پلورالیسم دینی و چالش‌ها (چاپ اول). تهران: نشر مرشد.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۸). ترمونولوژی حقوق (ج ۳، چاپ سوم). تهران: گنج دانش.

جوان آراسته، حسین. (۱۴۰۰). ابعاد فقهی و حقوقی آزادی عقیده. مجله حقوق اسلامی،

۱۸(۶۹)، صص ۸۵-۱۰۵.



جوانمرد فرخانی، ابراهیم؛ نوری، علی. (۱۳۹۷). آزادی عقیده و بیان در اندیشه‌های آیت‌الله جوادی آملی با نگاهی به حقوق غرب. مجله پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۵(۱۵)، صص ۵۵-۸۰.

حسینی کارنامی، سیدحسین. (۱۳۹۳). آزادی عقیده و آزادی بیان با تکیه بر واکاوی تفسیری آیه «لا اکراه فی الدین». پژوهشنامه معارف قرآنی، ۵(۱۹)، صص ۷۱-۹۰.

حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۲۰ق). تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه (ج ۱۲)، چاپ سوم. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.

خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۹). تحریر الوسیله (ج ۲، چاپ دوم). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

خویی، سیدابوالقاسم. (۱۴۱۷ق). مصباح‌الفقاهه (ج ۱، چاپ سوم). نجف: الانصاریه.

دادگران، سیدمحمد. (۱۳۸۱). مبانی ارتباط جمعی (چاپ سوم). تهران: فیروزه.

دستورالعمل و آیین‌نامه‌های کرسی‌های آزاداندیشی. مصوب پانصدوسی و یکمین جلسه مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۹، شورای عالی انقلاب فرهنگی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۴۱۶ق). مفردات الفاظ القرآن (چاپ دوم). بیروت: ذوی‌القربی.

زاهدی، مهدی؛ شریف‌زاده، شیرین. (۱۴۰۰). آزادی بیان و اصل دوگانگی ایده و بیان. نشریه پژوهش حقوق عمومی، ۲۳(۷۱)، صص ۹۵-۱۲۷.

زمخشری، محمود بن عمر. (۱۳۸۶). مقدمه الأدب (چاپ اول). تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.

سیدقطب. (۱۴۱۶ق). تفسیر فی ظلال القرآن (ج ۱، چاپ اول). بیروت: دار احیاء التراث.

شهید ثانی، زین‌الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). مسالک‌الافهام (ج ۳، چاپ دوم). قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۸ق). تفسیر المیزان (ج ۲، چاپ پنجم). بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.



- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. مصوب ۱۳۵۸/۸/۲۴. مجلس خبرگان.
- قانون آیین دادرسی کیفری. مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴.
- قانون میثاق بین الملل حقوق مدنی و سیاسی. مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ میلادی. مجمع عمومی سازمان ملل متحد.
- کاشف الغطاء، محمدحسین. (۱۴۱۹ق). کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء (چاپ دوم). بیروت: ذوی القربی.
- کشاوری، مونس. (۱۴۰۱). حمایت از آزادی بیان در فقه و حقوق کیفری ایران. مجله فقه جزای تطبیقی، ۲(۲)، صص ۱۳-۲۵.
- منتظری، حسینعلی. (۱۳۸۷). دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة (ج ۲، چاپ سوم). قم: دارالفکر.
- نائینی، میرزامحمدحسین. (۱۴۲۴ق). تنبیه الأمة و تنزیه الملة (چاپ دوم). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- نجفی، محمدحسن. (۱۳۸۶). جواهرالکلام (ج ۴۱، چاپ چهارم). قم: جامعه مدرسین.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۱۲۲

نظر
صدر

سال بیست و هشتم، شماره سوم (پیاپی ۱۱۱)، پاییز ۱۴۰۲

References

* The Holy Quran.

Anṣārī, M. (1380 AP). *Al-Makāsib al-muḥarrama* (Vol. 1, 2nd ed.). Qom: Society of Seminary Teachers. [In Arabic]

Basri, A. (06/07/1397 AP). Questions and answers: B2n.ir/e75760. [In Arabic]

Basri, A. (10/05/1397 AP). Questions and answers: B2n.ir/r37027. [In Arabic]

Basri, A. (1389 AP). *The fifth sermon in Muharram* (2nd ed.). Najaf: Ansar Ahmad Basri Publications. [In Persian]

Basri, A. (1394 AP). *Advice for seminary students* (1st ed.). Najaf: Ansar Ahmad Basri Publications. [In Persian]

Basri, A. (1395a AP). *Illuminating answers on the waves* (1st ed.). Najaf: Ansar Ahmad Basri Publications. [In Persian]

Basri, A. (1395b AP). *Al-Mutashābihāt* (Vol. 1, 1st ed.). Najaf: Ansar Ahmad Basri Publications. [In Arabic]

Basri, A. (1396a AP). *Sharāʾiʿ al-Islam* (Vol. 1, 1st ed.). Najaf: Ansar Ahmad Basri Publications. [In Arabic]

Basri, A. (1396b AP). *Ad ʿiyāʾ al-Mahdawiyya* (1st ed.). Najaf: Ansar Ahmad Basri Publications. [In Arabic]

Basri, A. (29/10/1394 AP). Speech in Paltak: B2n.ir/y22698. [In Arabic]

Criminal Procedure of Iran, approved on February 23, 2014. [In Persian]

Dadgaran, S. M. (1381 AP). *Principles of mass communication* (3rd ed.). Tehran: Firoozeh. [In Persian]

Ḥillī, H. (1420 AH). *Taḥrīr al-aḥkām al-sharʿiyya ʿalā madhhab al-Imāmiyya* (Vol. 12, 3rd ed.). Qom: Imam Sadiq Institute. [In Arabic]

Hosseini Karnami, S. H. (1393 AP). Freedom of opinion and freedom of speech based on the interpretive analysis of the verse "La Ikrah Fi Al-Din". *Journal of Quranic Knowledge Research*, 5(19), pp. 71-90. [In Persian]



نظر
صدر

تحليل گستره فضايت فرقه‌هاي انحرافي مهدويت

- Instruction and Guidelines for Free Thinking Chairs*. Approved in the 431st meeting on December 30, 2003, Supreme Council of Cultural Revolution. [In Persian]
- International Covenant on Civil and Political Rights*. Approved on December 16, 1966, General Assembly of the United Nations.
- Jafari Langaroodi, M. J. (1388 AP). *Terminology of law* (3rd ed.). Tehran: Ganj-e Danesh. [In Persian]
- Javan Arasteh, H. (1400 AP). Jurisprudential and legal dimensions of freedom of opinion. *Journal of Islamic Law*, 18(69), pp. 85-105. [In Persian]
- Jawanmard Farkhani, E., & Nouri, A. (1397 AP). Freedom of opinion and speech in the thought of Ayatollah Javadi Amoli with a look at western law. *Journal of Comparative Research of Islamic and Western Laws*, 5(15), pp. 55-80. [In Persian]
- Kāshif al-Ghiṭā', M. H. (1419 AH). *Kashf al-ghīṭā' 'an mubhamāt al-sharī'at al-garrā'* (Vol. 3, 2nd ed.). Beirut: Dhawi l-Qurba. [In Arabic]
- Keshavarz, M. (1401 AP). Supporting freedom of speech in Iranian jurisprudence and criminal law. *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(2), pp. 13-25. [In Persian]
- Khoei, S.A. (1417 AH). *Miṣbāḥ al-fiqāha* (Vol. 1, 3rd ed.). Najaf: al-Ansariyya. [In Arabic]
- Khomeini, R. (1379 AP). *Taḥrīr al-wasīla* (Vol. 2, 2nd ed.). Tehran: Institute for Compilation and Publication of the Works of Imam Khomeini. [In Arabic]
- Montazeri, H. A. (1387 AP). *Studies of the guardianship of the jurist and the jurisprudence of the Islamic government* (Vol. 2, 3rd ed.). Qom: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Naini, M. H. (1424 AH). *Tanbīh al-umma wa-tanzīh al-milla* (2nd ed.). Qom: Islamic Propagation Office. [In Arabic]
- Najafī, M. H. (1386 AP). *Jawāhir al-kalām* (Vol. 41, 4th ed.). Qom: Society of Seminary Teachers.



نظر
صدر

سال بیست و هشتم، شماره سوم، پیاپی (۱۱)، پاییز ۱۴۰۲

Rāghib al-Iṣfahānī, H. (1416 AH). *Mufradāt alfāz al-Qurʿān* (2nd ed.). Beirut: Dhawi l-Qurba. [In Arabic]

Sayyid Quṭb, Ibrahim. (1416 AH). *Tafsīr fī zilāl al-Qurʿān* (Vol. 1, 1st ed.). Beirut: Dar Ihya' al-Turath. [In Arabic]

Shahīd al-Thānī, Z. (1413 AH). *Masālik al-afhām* (Vol. 3, 2nd ed.). Qom: Islamic Propagation Office. [In Arabic]

Tabatabai, S. M. H. (1388 AH). *Tafsīr al-mizān* (Vol. 2, 5th ed.). Beirut: Mu'assasat al-A'lami li-l-Matbu'at. [In Arabic]

The Constitution of the Islamic Republic of Iran. Approved on November 15, 1979, Assembly of Experts. [In Persian]

The Constitution of the National House of Free Dialogue. Approved in the 596th meeting on December 26, 2006. Supreme Council of Cultural Revolution. [In Persian]

Tourani, A. (1381 AP). *Religious pluralism and its challenges* (1st ed.). Tehran: Morshed Publications. [In Persian]

Zahedi, M., & Sharifzadeh, Sh. (1400 AP). Freedom of speech and the principle of the duality of ideas and expression. *Journal of Public Law Research*, 23(71), pp. 95-127. [In Persian]

Zamakhsharī, M. (1386 AP). *Muqaddamat al-adab* (1st ed.). Tehran: Institute for Islamic Studies, University of Tehran. [In Arabic]

